



402

F

نام

نام خانوادگی

محل امضاء



عصر جمعه

۹۱/۱/۲۵

دفترچه شماره (۱)

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.

امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی
دوره‌های دکتری (نیمه متمرکز) داخل
در سال ۱۳۹۱

گروه آزمایشی زبان
رشته‌ی زبان و ادبیات عرب (کد ۲۸۰۲)

شماره داوطلبی:

نام و نام خانوادگی داوطلب:

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۰۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان عربی (عمومی)	۱۰۰	۱	۱۰۰

فروردین سال ۱۳۹۱

این درس نمره منفی ندارد.

حق چاپ و تکثیر سؤالات پس از برگزاری آزمون برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی تنها با مجوز این سازمان مجاز می‌باشد و با متخلفین برابر مقررات رفتار می‌شود.

- ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱ - ۸)
- ۱- عین الأنسب للفراغ: ... لي أن الإنسان كائن صغير لكنه فيه انطوى العالم الأكبر!
- (۱) أبان (۲) يبين (۳) تبين (۴) بان
- ۲- عین الصحيح للفراغ: إن الطرفين صاروا مقبلين على ... خلال العامين المقبلين!
- (۱) الإراطام (۲) المرتطمين (۳) الراطمين (۴) الارتطام
- ۳- عین الصحيح للفراغين: سلطات الاحتلال لذلك الحق ضاربة بكلّ المواثيق الدولية!
- (۱) تتكرّر / عرض الحائط (۲) تخالف / سقف الجدار
- (۳) تعارض / تشويه القانون (۴) تُتكرّر / صفح وجوههم
- ۴- عین الصحيح للفراغات: هؤلاء يعتبرون ... اللعب على الأوتار ... فتنة لا ... إلا في مجرى العدو!
- (۱) خطر / المقتي / تجري (۲) خطورة / المقيّة / تصبّ
- (۳) مخاطرة / المفقوة / تسفك (۴) خطر / المقتة / تسبك
- ۵- عین الصحيح:
- (۱) أصرخ الجمهور منذّدين بمتهمي حوائجهم!
- (۲) لا تنصارخ في وجه الوالد فتسقط إلى الدرجات السافلة!
- (۳) يصرخ الشعب في مظاهرة تشكّلت الجمعيات النقابية!
- (۴) يستصرخ البائسون المتربّعين على مقاليد الحكم!
- ۶- عین الصحيح:
- (۱) استنصر المظلومين كي تناصر!
- (۲) من أراد أن ينصر في عمله فعليه بمناصرة الآخرين!
- (۳) هؤلاء تناصروا حتّى انتصروا!
- (۴) من انتصر المستغاث و الملهوف فقد نصر!
- ۷- عین الخطأ:
- (۱) سر و قمر لك! (يضرب لاغتنام الفرص)
- (۲) إن حالت القوس فسهمي صائب! (يضرب لمن زالت نعمته و لم تزل مروءته)
- (۳) من لي بالسائح بعد البارح! (يضرب لتوقع المحبوب بعد المكروه)
- (۴) به داء ظبي! (يضرب لمن تتحسنّ حاله سريعاً)
- ۸- لمن استغنى فغير استغناؤه عقله و أفسده؛ يقال:
- (۱) البطنة تأفنّ الفطنة!
- (۲) الإيناس قبل الإيساس!
- (۳) لو بلغ الرزق فاه لولاه قفاه!
- (۴) كلّ مبدول مملول!

■ ■ عَيْنِ الْأَصْحَاحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ أَوْ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ (٩ - ٣٢)

-٩ ﴿ أَيْحْسِبُونَ أَنَّ مَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ، تُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ، بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴾:

(١) آیا می‌پندارند اینکه ما آنان را به مال و فرزندان مدد می‌نماییم، برای اینست که در خیرات برای آنها شتاب ورزیم، نه، آنان درک نمی‌کنند!

(٢) آیا گمان می‌کنند آنچه از اموال و فرزندان بدانها بخشیده‌ایم برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها تعجیل کنیم، نه چنین است، بلکه آن را درک نمی‌کنند!

(٣) آیا چنین می‌پندارند آنچه از اموال و پسران بدانها بخشیده‌ایم فقط برای اینست که در رساندن نیکیها بدانها شتاب ورزیم، در حالیکه آنان فهم آن را ندارند!

(٤) آیا چنین گمان می‌کنند ما فقط با مال و پسران بدانها مدد می‌رسانیم، تا درهای خیرات را بسرعت به روی آنان بگشاییم، و حال اینکه آنان نمی‌فهمند!

-١٠ « إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ الْمُسْتَكْبِرِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ بِأَوْلِيَانِهِ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي أَعْيُنِهِمْ! »: خداوند سبحان

(١) بندگان خود را که در دل مستکبر هستند، بوسیلهٔ دوستان خود که در نظر آن مستکبران مستضعف هستند می‌آزماید!

(٢) عباد مستکبر را که نزد خویش بزرگ و چشمگیر شده‌اند بوسیلهٔ دوستانی می‌آزماید که در چشمان آن مستکبران به استضعاف کشیده شده‌اند!

(٣) عبادی را که در خویشتن مستکبر گشته‌اند، بوسیلهٔ دوستانی آزمایش می‌کند که در نظر آن مستکبران مستضعف گشته‌اند.

(٤) بندگان خود را که از درون مستکبر شده‌اند، بوسیلهٔ دوستان خود که در چشمان آنان مستضعف گشته‌اند آزمایش می‌کند!

-١١ « هُنَاكَ أَخْبَارٌ قَدْ نَقَلْتَ عَنْ تَبَاعَةِ الْيَمَنِ تَكَادُ تَكُونُ أَشْبَهَ بِالْقَصَصِ الْمَوْضُوعَةِ مِنْ أَنْ تَكُونَ حَوَادِثَ تَارِيخِيَّةً! »:

(١) آنجا اخباری است که دربارهٔ تباعهٔ یمن آمده که به قصه‌های تخیلی شبیه‌تر است تا حوادث تاریخی!

(٢) اخباری که از تباعهٔ یمن نقل شده همگی داستانهای جعلی است که به اتفاقات ناگهانی شباهت دارد نه حوادث تاریخی!

(٣) آنجا خبرهایی موجود است که موضوع آن تبعه‌ها در سرزمین یمن بوده و شباهت زیادی به قصص واهی دارد تا وقایع تاریخی!

(٤) اخباری در مورد تبعه‌های یمن نقل شده است که به داستانهای جعلی بیشتر شباهت دارد تا وقایع تاریخی!

۱۲- « إته عسكر في ظاهر المدينة ليلة الخميس لخمس خلون من جمادى الآخرة سنة سنة و ستين بعد المائتين، و نشر قوّاته في الأراضي المناخمة للمدينة! »:

(۱) اردویی که او زد پنجشنبه شب پنجم ماه جمادی الآخرة سال ۲۶۲ بوده است سپس قوای خود را در سرزمینهای مجاور شهر مستقر کرد!

(۲) اردوی او در بیرون شهر مربوط به پنجشنبه شب پنجم جمادی الآخرة سال ۲۶۶ بوده است، و سپس قوای خود را در زمینهای مجاور این شهر پراکنده ساخت!

(۳) او شب پنجشنبه پنج روز از ماه جمادی ثانیة سال ۲۶۶ گذشته در خارج شهر اردو زد و نیروهای خود را در زمینهای هم مرز این شهر مستقر ساخت!

(۴) شب پنجشنبه پنج روز از ماه جمادی ثانیة سال ۲۶۲ باقی مانده بود که او در خارج شهر اردو زد و نیروهای خودی را در سرزمین هم مرز آنجا پراکنده کرد!

۱۳- عین الخطأ:

(۱) لَمَّا سِرْنَا فِي الْيَوْمِ الْمَحْدَدِ: وقتی در روز موعود به حرکت درآمدیم،

(۲) فَعَسَى أَنْ لَا يُعْذِرَكُمْ مِنْي رَأْيًا وَ نَصْحًا!: شاید از نظر و توصیه من بی‌نیاز نباشید!

(۳) فَقَالَ حَضْرَتُ لَكِي أَسْمَعُ مَا تَقُولُونَ: و او گفت آمده‌ام تا آنچه را می‌گویید بشنوم،

(۴) اعترضنا رجل جليل عليه بُتلة: مرد جلیل القدری را دیدیم که عبایی خشن بر تن داشت،

۱۴- « لقد اجتازت الكتب و الرسائل الفارسية هذه في طريق اندماجها بالأدب العربي اندماجاً نهائياً مراحل متعدّدة! »:

(۱) این کتابها و رساله‌های فارسی در مسیر اختلاط نهائی با ادبیات عرب مراحل متعددی را طی کرده است!

(۲) کتب و رسائل فارسی در مسیر اختلاط با ادبیات عربی، از مراحل متعددی عبور کرده است، و سرانجام با آن امتزاجی نهائی یافته است!

(۳) این کتب و رساله‌های فارسی در راه آمیخته شدن با ادبیات عربی، آن هم آمیخته شدن نهائی، مراحل بیشماری را گذرانده است!

(۴) کتابها و رسالات فارسی از طریقی گذشته است که آمیخته شدنش با ادبیات عرب مراحل متعددی داشته است!

۱۵- « و لم أر مثل العين ضنّت بمائها عليّ، و لا مثلي على الذمّع يُحسد! »:

(۱) هرگز چیزی را چون چشم خود ندیدم که این چنین آب خود را دریغ دارد، و مانند خویش را هم ندیدم که باید حسرت اشک را بخورم!

(۲) چشمه‌ای را چون چشم ندیدم که نسبت به آب خود بر من بخل ورزد، و مرا در حسرت اشک چشم قرار دهد!

(۳) مثل چشم را ندیدم که آب خود را از من دریغ دارد، و مانند خود را ندیدم که این چنین بر اشک مورد حسد قرار گیرد!

(۴) چیزی را بسان چشم خود ندیدم که با بخل ورزیدن اشک خود را از من دریغ دارد، و باعث شود این چنین بر اشک حسرت خورم!

۱۶- « أليس ورائي، إن تراخت منيتي لزوم العصا تحنّي عليها الأصابع! »:

- ۱) آیا در ورای من عصایی منتظر نیست که انگشتان مرا خم کرده باشد، در صورتی که مرگ دیر هنگام به سراغم بیاید!
- ۲) چنانچه حرکت مرگ بسوی من آهسته باشد، آیا ملازم شدن عصایی با انگشتان خمیده در انتظار من نیست!
- ۳) چنانچه مرگ دیرتر از موعد مقررّ بسمت من حرکت کند، آیا عصایی با انگشتان خمیده بر آن به سراغم نمی‌آید!
- ۴) آیا اگر مرگم دیر هنگام به سراغم بیاید، ملازم عصایی شدن که انگشتان بر آن خم شده باشد، در انتظار من نیست!

۱۷- « و كان أقصى مني نهر المجرة لو من مانه مزجت أقداح ساقينا! »:

- ۱) سخت‌ترین و شدیدترین مرگها نیز نمی‌توانند از جامهای ساقی ما عبور کنند و به ما برسند!
- ۲) کهکشان را رودی است که همگان آرزوی رسیدن بدان را دارند و می‌خواهند با جامهای ساقی ما از آب آن بنوشند!
- ۳) کهکشان راه شیری دورترین آمال و آرزوها می‌بود، چنانچه جامهای ساقی ما با آب آن آمیخته می‌شد!
- ۴) سخت‌ترین مرگها در کهکشان راه شیری است، چنانچه جامهای ساقی ما با آب آن مخلوط شود!

۱۸- « أذكرت هرولة الصبابة و الهوى لما خطرت يغبّلان خطاك! »:

- ۱) آیا به یادآوردی شتاب جوانی و عشق را زمانی که به ذهنت خطور می‌کردند، و تو به‌اشتباه برگامه‌ایت بوسه می‌زدی!
- ۲) چگونه به خاطرت می‌آورد که شتابان در پی شور عشق و جوانی می‌دویدی و هر وقت به خطر می‌افتادی بر قدمه‌ایت بوسه می‌زدند!
- ۳) چگونه به یادت می‌آورد شتاب عشق و جوانی زمانی را که در خطر افتاده بودی و آن دو را به دنبال خود می‌کشیدی!
- ۴) آیا به خاطر آوردی شدت شور عشق و علاقه را که چگونه گامه‌ایت را بوسه می‌زدند آن هنگام که قدم برداشتی و به راه افتادی!

۱۹- « قوموا انظروا السوقة في ما حولكم تدوس هامات الملوك همداء! »:

- ۱) قیام کنید و به بازار و اطراف آن بنگرید و ببینید که برای سلاطین قبل از شما چه چیزهایی اهمیت داشته است!
- ۲) برخیزید و بنگرید که در اطرافتان عاتمة مردم جمجمه‌های پادشاهان مدفون را لگدمال می‌کنند!
- ۳) برخیزید و به ساق پاهای مردمان در اطراف خود نیکو بنگرید که چگونه لگدمال سلاطین شده است!
- ۴) قیام کنید علیه آنچه در بازار پیرامون شما می‌گذرد، چه پادشاهان به آنچه بر شما می‌گذرد اهمیتی نمی‌دهند!

۲۰- « لا تطيري جوابة السّفح، فالنسر إذا ما خبرته لم تطيري! »:

- ۱) پرنده را در دامنه کوه به پرواز دریاور، زیرا کرکس هنگامی که خبرش کنی به پرواز در نمی‌آید!
- ۲) چون پرنده‌ای که جز در دامنه‌های کوه پرواز نمی‌کند تو نیز پرواز کن، چه کرکس نیز اگر از آن آگاه شود به پرواز در نمی‌آید!
- ۳) ای پرنده‌ای که برای یافتن مطلوب خود پرواز می‌کنی، اگر از وضع کرکس خبر داشتی نمی‌باید پرواز کنی!
- ۴) ای جولان‌کننده در دامن کوه، پرواز مکن، چه اگر از احوال کرکس آگاه بودی پرواز نمی‌کردی!

۲۱- « إن كان ينجع شيء في ثباتهم على العهود، فسبقُ السيف للعدل! »:

- (۱) إن أخل شيء في الوفاء بعهودهم، فذلك استخدام العنف قبل العدل!
- (۲) إن وجد شيء يعمل في الناس لنيل ثباتهم على العهود، فذلك أن يعاملوا بالرهبة و يؤخذوا بالعنف!
- (۳) لو كان شيء يفيد في ثباتهم على العهود، لكان تقدّم السيف للملامة مفيداً أكثر من أنفسهم!
- (۴) لا يمنعهم شيء من الوفاء بمواعيدهم، إلا استخدام السيوف قبل اللوم!

۲۲- عین البيت الذي يُخالف الأبيات الأخرى في المفهوم:

- (۱) إن الأمور إذا دانت زوائلها فعلامه الإدبار فيها تُظهر!
 - (۲) صاح هذه قبورنا تملأ الرحـبـ فأيّن القبور من عهد عاد!
 - (۳) ربّ لحد قد صار لحدّاً مراراً ضاحك من نزاحم الأضداد!
 - (۴) يدفن بعضنا بعضاً و تمشي أواخرنا على هام الأوالي!
- ۲۳- « مسألة اسلام در بینش معتقدانش، از رهبری گرفتته تا رهروی، مسألة دعوتی است زنده و پویا در همه سطوح! »:

- (۱) مسألة الإسلام في معتقد المعتقدين به و على سطح الزعامة حتّى التبعية، إنّها مسألة دعوة نشطة وحيّة على جميع السطوح!
- (۲) في وعي المؤمنين بالإسلام، إنّ مسألة الدعوة المتحركة النشيطة في كلّ الأصعدة، على مستوى القائد حتّى القاعد!
- (۳) في معتقد المؤمنين بالإسلام، إنّ مسألة الدعوة الحية النشيطة على سطح الزعيم حتّى القاعدة على جميع السطوح!
- (۴) إنّ مسألة الإسلام في وعي المؤمنين به، على مستوى القيادة حتّى القاعدة، هي مسألة دعوة نشطة و متحركة في كلّ صعيد!

۲۴- « بعضی متفکران متعهد با وجود مشکلات زیادی که بدانها دچار می‌شوند، برخلاف جریان آب شنا می‌کنند! »:

- (۱) هناك بعض من المتفكرات المتعهدات قد يسبحن ضدّ التيار على رغم ما يواجهن من أتعاب كثيرة!
 - (۲) بعض المفكرات الملتزمات يسبحن ضدّ التيار رغم ما يلقيّن من متاعب جمة!
 - (۳) بعض المفكرين الملتزمين رغم ما يواجهونه من المتاعب يسبحون خلاف تيار الماء!
 - (۴) هناك من المفكرين الملتزمين خلافاً لما يلقون من الأتعاب الكثيرة قد يسبحون خلافاً لتيار الماء!
- ۲۵- « هرکس با واقعيتها با این سطحی نگرى و بی توجهی برخورد کند مرتکب خطاهای فاحشی می‌شود! »:

- (۱) یقترف الأخطاء الفاحشة من يواجه الحقائق بمثل هذه السطحية و التساهل!
- (۲) یرتکب الأخطاء الجسيمة من يعامل الوقائع بهذه السطحية و التساهل!
- (۳) من يتعامل مع الحقائق بهذه السطحية و التساهل يقترب أخطاء جسيمة!
- (۴) من يواجه الوقایع بالسطحية هذه و التساهل هذا يرتكب أخطاء فاحشة!

۲۶- « بعد از آنکه آگاهی و بیداری در ملل عالم رو به افزایش نهاد، نظامهای سلطه‌گرا دیگر نمی‌توانند بوسیلهٔ ظلم و ایجاد وحشت و ترور حکومت کنند! »:

۱) إن المنظمات في السلطة بعد أن كثرت الصحوه و الوعي عند شعوب العالم، لن تكون قادرة على الحكم بالظلم و الإرهاب و الإرهاب!

۲) بعد أن أخذ الوعي و الصحوه العالمية بالتكاثر عند شعوب العالم، لم تعد السلطات تقدر بالحكم بالاضطهاد و الإرهاب!

۳) إن الأنظمة السلطوية لا تستطيع بعد هذا أن تحكم بالظلم و الإرهاب بعد أن جعل الوعي والصحوه يتزايد عند شعوب العالم!

۴) لم تعد الأنظمة السلطوية تستطيع الحكم بالاضطهاد و الإرهاب و الإرهاب، بعد أن أخذ الوعي و الصحوه بالتزايد عند شعوب العالم!

۲۷- « ما نمی‌توانیم نسبت به حوادث و تحولاتی که کشور شاهد آنست، که مشارکت عناصر میانه‌رو در دولت آتی از جمله آنهاست، بی‌تفاوت باشیم! »:

۱) لا يمكن لنا الوقوف من غير مبالاة قبال الحوادث و التحولات التي تجري في بلادنا، و من ضمن ذلك اشتراك العناصر المعتدلة في الوزارة الآتية!

۲) نحن لانقدر أن نبقى بأيدٍ مكتوفة تجاه أحداث و تطورات تشهدها بلادنا، و قد نكون مشاركة العوامل المعتدلة في الوزارة الآتية من ضمنها!

۳) ليس في مقدورنا أن نجلس و أيدينا مكتوفة مقابل حوادث و تحولات تجري في بلادنا و هناك اشتراك عوامل معتدلة في الحكومة القادمة من ضمنها!

۴) نحن لا نستطيع أن نقف مكتوفي الأيدي إزاء الأحداث و التطورات التي تشهدها البلاد، و من ضمنها مشاركة العناصر المعتدلة في الحكومة القادمة!

۲۸- « از من خواست هر قدر امکان دارد در مورد حوادث اخیر که تحت تأثیر فرهنگهای وارداتی رخ داده است، برایش بنویسم! »:

۱) سأل مني الكتابة مهما تيسر له عن الحوادث الأخيرة التي حدثت بتأثير من الثقافات الأجنبية!

۲) طلبني الإرسال له ما يمكن عن آخر الحوادث و قد حصلت بتأثير من الثقافة المستوردة!

۳) سألتني أن أكتب له ما تيسر عن الحوادث الأخيرة و قد حدثت متأثرة بالثقافات المستوردة!

۴) طلب مني أن أرسل له كلما أمكن عن آخر الحوادث التي حصلت مؤثرة بالثقافة الأجنبية!

۲۹- « بعضی گیاهان هستند که هر چند نمی‌توانند بدون آب زندگی کنند، اما بطرز عجیبی می‌توانند مدت‌های طولانی بدون اینکه آسمان ببارد، به زندگی خود ادامه دهند! »:

(۱) هناك بعض النباتات و إن لاتستطع أن تعيش بلا ماء، ولكنها تستطيع أن تدوم بحياتها بطريقة مذهلة لفترات طويلة لا تمطر فيها السماء!

(۲) يوجد بعض النبات لا يستطيع أن يبقى في الحياة لمدة طويلة دون أن ينزل المطر من السماء بطريقة مذهلة!
(۳) هناك نباتات لا يمكن لها الحياة بدون ماء، إلا أنها تقدر أن تستمر بحياتها لفترات طويلة لا ينزل المطر من السماء بأسلوب مدهل!

(۴) يوجد نبات و إن لايمكن أن يحيي دون ماء، ولكنه يقدر على الاستمرار في حياته لمدة طويلة لا ينزل المطر من السماء بأسلوب مدهل!

۳۰- « تحقیقات این گروه در طول پنج سال ثابت کرده است که مردم اگر فواید کاهش وزن و کنترل فشار خون را بدانند، دیگر در خوردن غذاهای چرب زیاده‌روی نمی‌کنند! »:

(۱) قد أثبتت تحقیقات هذه المجموعة طول السنوات الخمسة بأنه إن أدركوا الناس فوائد الانخفاض في الوزن و السلطة على ضغط الدم، لا يعودون في إكثار الأطعمة الدسمة!

(۲) إن دراسات هذه الفرقة في خمس سنوات قد أثبتت أن الناس لو شعروا بفوائد التخفيض في الوزن و السيطرة على الضغط الدمی، لن يفرطوا من أكل الدسومات!

(۳) إن تحقیقات هذا الفريق طول السنوات الخمس الأخيرة قد أثبتت بأن الناس لو علموا فوائد تخفيض الوزن و سلطة ضغط الدم لما كانوا يفرطون في تناول الدسومات!

(۴) قد أثبتت دراسات هذا الفريق طول خمس سنوات أنه إذا شعر الناس بفوائد انخفاض الوزن و السيطرة على ضغط الدم، لم يعودوا يكثر من تناول الأطعمة الدسمة!

۳۱- « شاخص بازار اوراق مالی کشور از سقف دوازده هزار واحد پایین تر آمد! »:

(۱) قد رجع مؤشر السوق المالي للأوراق المالية في البلاد إلى ألف و اثني عشرة وحدة!

(۲) المؤشر للسوق المالية في البلاد أخذ يتراجع إلى مستوى اثنتي عشرة ألف نقطة!

(۳) مؤشر البلاد لأوراق السوق المالية قد رجع إلى ألف و اثنتي عشرة وحدة!

(۴) تراجع مؤشر سوق البلاد للأوراق المالية عن مستوى اثني عشر ألف نقطة!

۳۲- « حاضران که برخی فوت پدرش را تسلیت می‌گفتند و بعضی جانشینی او را تبریک می‌گفتند، مقابل او ایستاده بودند! »:

(۱) كان الحاضرون توقفوا إزاءه بين معزٍ بمناسبة فوت أبيه و مهنئٍ بمناسبة خلافته له!

(۲) إن الحاضرين كانوا قد وقفوا قبالة ما بين المعزّين لفوت والده و المهنّئين للخلافة له!

(۳) كان الحضور قد وقفوا أمامه من معزّ لوفاة والده و مهنئٍ بخلافته له!

(۴) إن الحضور وقفوا قبالة من بين معزّين بوفاة أبيه و مهنّئين للخلافة له!

■ عین الصحيح في التشكيل (٣٣ و ٣٤)

٣٣- « بيت المقدس عاصمة فلسطين يقدسها المسلمون و المسيحيون و اليهود، و فيها مسجد الأقصى و قبة الصخرة و كنيسة القيامة، و أصبحت تدعى المدينة المقدسة! »

- (١) المقدس — يقدسها — قبة — تدعى — المدينة
(٢) بيت — المقدس — عاصمة — فلسطين — الصخرة
(٣) عاصمة — فلسطين — مسجد — كنيسة — القيامة
(٤) يقدسها — قبة — تدعى — المدينة — المقدسة

٣٤- عین الصحيح:

- (١) لا يَنْتَلِي الْبَطْلُ الصَّنْدِيذَ عَنْ سَاحَةِ الْوَعَى أَوْ يُرَوِّي حُسَامُهُ مِنْ دَمِ الظُّلْمَةِ!
(٢) أَلَا وَ أَنْكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ تَلَمَّعْتُمْ جِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبِ عَلَيْكُمْ!
(٣) إِنَّ الْإِنْسَانَ أَكْرَهٌ عَلَى تَحْمِلِ مَا لَا طَاقَةَ لَهُ بِهِ لَا يَلْبَثُ فِتْرَةً حَتَّى تَبْذُورَ فِيهِ أَعْرَاضُ السُّقْمِ!
(٤) سَمِعَ النَّاسُ بَوَاجْهَكُمْ وَ مَجْلِسَكُمْ وَ خُكْمَكُمْ، وَ إِيَّاكَ وَ الْغَضَبَ فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ!

■ عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٣٥ — ٣٨)

٣٥- « يا من يعز علينا أن نفارقهم وجداننا كل شيء بعدكم عدم! »:

- (١) وجدان: مفرد مذكر — جامد و مصدر — معرف بالإضافة — معرب — ممنوع من الصرف/ مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسمية و جواب للنداء
(٢) بعد: اسم غير متصرف — من الأسماء اللازمة للإضافة — معرف بالإضافة — معرب — منصرف/ ظرف أو مفعول فيه للمكان و منصوب و متعلقه شبه فعل «عدم»
(٣) نفارق: مضارع — للمتكلم مع الغير — متعد — مبني للمعلوم/ فعل مرفوع و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «نحن» و الجملة فعلية و مصدر مؤول و فاعل لفعل «يعز» و مرفوع محلاً، تقديره «مفارقتهم»
(٤) يعز: للغائب — مجرد ثلاثي — صحيح و مضاعف (جازز الإدغام و التفكيك) — متعد — معرب/ فعل و فاعله المصدر المؤول، و الجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير «هم» في «نفارقهم»

٣٦- « إن لم أمت يوم الوداع تأسفاً لا تحسبوني في المودة منصفاً! »:

- (١) تحسبوا: للمخاطبين — مجرد ثلاثي — متعد — مبني للمعلوم/ فعل مجزوم بحذف نون الإعراب، و من أفعال القلوب، فاعله ضمير الواو البارز، و الجملة فعلية
(٢) تأسفاً: اسم — مفرد مذكر — جامد و مصدر (من باب تفعّل) — نكرة — معرب — صحيح الآخر — منصرف/ تمييز مفرد و منصوب و مميّزه الملحوظي «أمت»
(٣) منصفاً: مشتق و اسم فاعل (مصدره: إنصاف) — نكرة — معرب — صحيح الآخر — منصرف/ حال مفردة و منصوب و صاحب الحال ضمير الياء و العامل فعل «تحسب»
(٤) أمت: مضارع — مجرد ثلاثي — معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان بنقل الحركة و بالحذف)/ فعل مجزوم بحذف حرف العلة، فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنا»

۳۷- « أقول لدهر قد تواليت صروفه أليس لهذا يا زمان زوال! »:

- (۱) دهر: اسم — مفرد مذکر — جامد — نكرة محضة — معرب — صحيح الآخر — منصرف/ مجرور باللام؛ لدهر: جار و مجرور و متعلقهما فعل «تواليت» و الظرف لغو
- (۲) زمان: مفرد مذکر — جامد — معرف بالنداء/ منادی نكرة مقصودة و مبني على علامة الرفع و هنا الضمة ببناء عرضي و منصوب محلاً على أنه مفعول به لفعل محذوف
- (۳) تواليت: مزيد ثلاثي من باب تفاعل — معتل و لفيف مفروق (إعلاله بالحذف) فعل و فاعله «صروف» و الجملة فعلية و نعت و رابطها الضمير المستتر
- (۴) ليس: فعل ناقص في التصرف — معتل و أجوف — متعد — مبني للمعلوم/ فعل من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه «زوال» و خبره شبه جملة «لهذا»

۳۸- « صاح شمّر و لا تزل ذاكر الموت فنسيانه ضلال مبين! »:

- (۱) صاح: اسم — مفرد مذکر — مشتق و اسم فاعل — معرف بالنداء/ منادی نكرة غير مقصودة، و مرخم و مبني على الكسر وجوباً
- (۲) نسيان: مفرد مذکر — جامد و مصدر — معرف بالإضافة — معرب/ مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية، و فاعله ضمير الهاء مرفوع محلاً
- (۳) تزل: مضارع — للمخاطب — معتل و أجوف (إعلاله بالحذف) فعل مجزوم بحرف «لا» الناهية، «لاتزل» من الأفعال الناقصة و هي من النواسخ، اسمه الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت»
- (۴) ذاكر: مشتق و اسم فاعل (مصدره: ذكر) — معرب — صحيح الآخر — منصرف/ خبر «لاتزل» المفرد و منصوب و فاعله ضمير «هو» المستتر، و مفعوله «الموت» منصوب لفظاً

■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۳۹-۵۲)

۳۹- عین همزة القطع في جميع الكلمات:

- (۱) اثنان، أحضر، أكرم، إعادة
- (۲) أدخلوا، اسم، آمن، إقامة
- (۳) احترام، إيجار، أقس، أبجل
- (۴) أجلس، أقم، إيقال، أصبغ

۴۰- عین ما حذفت فيه الهمزة وجوباً:

- (۱) أروا، خذوا، أسأل، آيت
- (۲) يري، كلوا، خذي، أر
- (۳) يرون، سلوا، ت، خذ
- (۴) سل، خذي، أمدد، كلن

۴۱- عین ما ليس فيه كاف الخطاب:

- (۱) إياكم (۲) ذلك (۳) كم (۴) تلك

۴۲- عین الصحيح في النسبة إلى: دم، مساجد، عدة:

- (۱) دمي، مسجدي، وعدي
- (۲) دمي، مساجدي، عدي
- (۳) دموي، مسجدي، عدتي
- (۴) دموي، مساجدي، وعدي

٤٣- عَيْن سبب جواز الابتداء بالنكرة يختلف عن البقية:

(١) إن أحد راداً الخير! (٢) صعوبة في التعلم هادية! (٣) لولا اضطبار لهلك! (٤) لا طالبٌ عندنا!

٤٤- عَيْن الخطأ في استعمال فاء الجواب:

(١) إن الذي يُساعدني فله جائزة سامية! (٢) ولكن ما نتمنّ فسوف يكون!
(٣) ليت من يساعدك فله منك جائزة! (٤) كل طالبة تجتهد بجدّ فلها درجة عالية!

٤٥- عَيْن الخطأ:

(١) طالعت حتّى الآن ثلاث مقالات و كتب!
(٢) لم أنتظر ك بضعة ساعات فحسب بل بضعة أيام وليال!
(٣) شاهدت خمسمائة جندي في مقدّمهم ثلاث جنرالات!
(٤) سهرت عشرين ليلة و نيقاً من ليالي الشتاء!

٤٦- عَيْن ما لم يحذف فيه عائد الصلة:

(١) ﴿ آمنوا بما نزل على محمد ﴾ (٢) ﴿ ضلّ من تدعون إلا إياه ﴾
(٣) ﴿ والله يسجد من في السماوات والأرض ﴾ (٤) ﴿ أيهم أشدّ على الرحمن عتياً ﴾

٤٧- عَيْن الصحيح (في التقديم):

(١) لا أكذب حتّى مادمت! (٢) لكلّ وقت ما كان تدبير!
(٣) نشيطاً ليس الخامل! (٤) حليفنا لا يزال النصر!

٤٨- عَيْن الظرف مستقراً:

(١) بسم الله الرحمن الرحيم! (٢) والله لأجهدنّ جهداً عظيماً!
(٣) فهب لي من لدنك وليّاً! (٤) أنذرك يوماً فيه الحسرة!

٤٩- عَيْن الخطأ عن «ما» الشبيهة بليس:

(١) ما الصادقين الله معذباً! (٢) ما في رأيي أخوك متكاسلاً!
(٣) ما هي بكاتبة بل شاعرة مقلقة! (٤) ما المنافقون إلا خاسرون!

٥٠- عَيْن الصحيح:

(١) طفق الولد واقفاً! (٢) علق البناء يرفع الجدران!
(٣) اخلوت السماء تمطر! (٤) كاد الشاعر قد أنشد!

٥١- عَيْن الخطأ في العطف:

(١) أ تسافرين اليوم و زميلاتك؟ (٢) أكتبوا و زملاؤكم هذه الدروس!
(٣) أطالع أنا و زميلي هذه المقالة! (٤) أ يجتهد البنون و البنات بجدّ؟

٥٢- عَيْن الخطأ في التمييز:

(١) ما في صدره قدر ذرة من حق! (٢) ملأت قلبي حبّاً لله!
(٣) أعدل به من قاض! (٤) غرست البلدية الشوارع من أشجار!

■ ■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۵۳ - ۶۵)

۵۳- عین ما لم يخرج من مقتضى الظاهر:

- (۱) ﴿فلبت فيهم ألف سنة إلا خمسين عاماً﴾ (۱)
- (۲) ﴿فأذهبنا بآياتنا إنا معكم مستمعون﴾ (۲)
- (۳) ﴿قالوا سمعنا و أطعنا غفرانك ربنا﴾ (۳)
- (۴) ﴿و لا يزيد الكافرين كفرهم إلا خساراً﴾ (۴)

۵۴- عین الخطأ:

- (۱) ﴿زین لهم الشيطان﴾: تقديم المسند للحصر!
- (۲) ﴿الشيطان يعدكم الفقر﴾: تقديم المسند إليه ربما للتأكيد!
- (۳) ﴿وأعوذ بك من همزات الشياطين﴾: تقديم «بك» للإشعار بأنه من معمولات الفعل!
- (۴) ﴿و كان الشيطان للإنسان خذولاً﴾: تقديم معمول «خذولاً» للاختصاص!

۵۵- عین الخطأ:

- (۱) ﴿فليعبدوا ربّ هذا البيت﴾: لتمييز المشار إليه!
- (۲) ﴿تلك الدار الآخرة﴾: للإشارة إلى البعد الزمني!
- (۳) قال الله تعالى: ﴿ما تلك بيمينك يا موسى﴾: للإشارة إلى البعد المكاني!
- (۴) ﴿أولئك أصحاب النار﴾: للإشارة إلى التحقير بالبعد!

۵۶- عین الخطأ:

- (۱) ﴿فصبروا على ما كذبوا﴾: سبب الحذف هو الاهتمام بالفعل!
- (۲) ﴿هل ثوب الكفار ما كانوا يفعلون﴾: حذف المسند إليه للتعميم!
- (۳) ﴿ولله العزة و لرسوله و للمؤمنين ولكن المنافقين لا يعلمون﴾: سبب الحذف القرينة!
- (۴) ﴿براءة من الله و رسوله﴾: سبب الحذف هو التعجيل في التنذير!

۵۷- إذا أردنا أن نتكلم عن صفة «خالقية الله» حيث إنها تلبس أشكالا متنوعة طيلة الزمان؛ نقول:

- (۱) ﴿الله خالق كل شيء﴾ (۱)
- (۲) ﴿و ما كنا عن الخلق غافلين﴾ (۲)
- (۳) ﴿خلق لكم ما في الأرض جميعاً﴾ (۳)
- (۴) ﴿إن ربك هو الخالق العليم﴾ (۴)

۵۸- عین تشبيه التمثيل:

- (۱) أ حشفاً و سوء كيلة!
- (۲) في الصبف ضيعت اللبن!
- (۳) ترجو النجاة و لم تسلك مسالكها إن السفينة لا تجري على اليبس!
- (۴) متى يبلغ البنیان يوماً تمامه إذا كنت تبنيه و غيرك يهدم!

۵۹- عین الاستعارة:

- (۱) اضطربتم اضطراب الأرشية في الطوي البعيدة! (۲) كلامه بيان و صمته لسان!
- (۳) و هو لباس النّوى و درع الله الحصينة! (۴) نكتت طائفة و مرقّت أخرى و فسق آخرون!

٦٠- عَيْن الخطأ في «جامع» الاستعارة:

- (١) ﴿من بعثنا من مرقدنا﴾: عدم البعث!
- (٢) أصبحت بيد الشمال زمامها: الجهة و الغاية!
- (٣) اللهم اسقنا دُلل السحاب دون صعابها: الشدة والضوضاء والهدوء!
- (٤) ينحدر عني السيل: الحياة و النشاط و الكثرة!

٦١- عَيْن المجاز المرسل:

- (١) ﴿و حملناهم في البر و البحر﴾!
- (٢) حملت إليه من لساني حديقة!
- (٣) هم عيش العلم و موت الجهل!
- (٤) تعلموا القرآن و استشفوا بنوره!
- ٦٢- «و تعظم في عين الصغير صغارها و تصغر في عين العظيم العظائم!». في البيت من البديع
- (١) المزوجة! (٢) طباق السلب! (٣) السلب و الإيجاب! (٤) طباق الإيجاب!
- ٦٣- «حسد الناطق و الصامت و هلك الحاسد و الشامت!». في العبارة من البديع
- (١) السجع المتوازي! (٢) السجع المطرف! (٣) الازدواج! (٤) السجع المرصع!
- ٦٤- «السيف أصدق إنباء من الكتب في حده الحد بين الجد و اللعب!». بحر البيت
- (١) البسيط! (٢) الرجز! (٣) المنسرح! (٤) الطويل!
- ٦٥- «و كثير من الرجال حديد و كثير من القلوب صخور!». عَيْن الصحيح في التقطيع:

- (١) فاعلاتن متفعّلن فاعلاتن — فاعلاتن متفعّلن فاعلاتن (٢) فاعلاتن مُستعلن فاعلاتن — فاعلاتن مُستعلن فاعلاتن
 - (٣) فاعلاتن متفعّلن فعلات — فاعلاتن متفعّلن فاعلاتن (٤) فاعلاتن متفعّلن فاعلاتن — فاعلاتن متفعّلن فاعلاتن
- ■ عَيْن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٦٦ — ٧٠)

٦٦- عَيْن الخطأ:

- (١) أقدم شعر وصل إلينا ما قيل في حرب البسوس أو قبيلها!
- (٢) كان شعر امرئ القيس يملئ اللهجة لأنه ينتسب إلى القبائل اليمنية!
- (٣) نشر منهج الشاعر الجاهلي و شعره كان بواسطة ملازم يلزمه في البدو و الحضر!
- (٤) أصل العرب هم القحطانيون و هم اليمنيون المعروفون بعرب الجنوب!
- ٦٧- عَيْن الصحيح للفراغ: من أسباب تسرب الثقافات الأجنبية في عهد الأمويين ...
- (١) الاحتكاك أولاً و الترجمة ثانياً!
- (٢) قوة تلك الثقافات و ما فيها من الجاذبية!
- (٣) ضعف الحكومة المركزية إضافة إلى إشاعة المجون!
- (٤) إرادة الحكام لنشر المعارف و العلوم!

٦٨- عَيْن الصحيح:

- (١) أبو تمام و البحتري و ابن الرومي كانوا من رواد عصر التجديد!
- (٢) كان الجاحظ زعيم حركة التجديد في النثر و كان رئيس المدرسة النثرية الأولى!
- (٣) عصر أدب الاستقرار من جهة أزهى العصور نزوج فكر و رقي عقل، ومن جهة أخرى بداية الجمود والتصنع!
- (٤) بشار و أبو نواس و أبو العتاهية كانوا من رواد الحركة المعاكسة طالبيين الرجوع إلى القديم!

٦٩- عَيْن الخطأ:

- (١) ابتعد عمر بن أبي ربيعة عن مدح الملوك و اجتنب عن شعر المدح!
 - (٢) عمر بن أبي ربيعة كان ممثل جماعة لم يجعلوا للسياسة موضعاً في شعرهم!
 - (٣) السبب الرئيسي في تقرب المغنّين بعمر بن أبي ربيعة وجود المضامين الخلعية في شعره!
 - (٤) أعرض عمر بن أبي ربيعة عن فنون الشعر التقليدي و اقتصر على الغزل فقط!
- ٧٠- عَيْن المناسب للفراغين: من ميزة مدرسة ... أنها تميل إلى التجديد ولكنها على أساس الأدب العربي القديم؛
و ممّن مثّلوا هذا الدور هو ...!

(٢) المخضرمين / خليل مطران

(١) المبدعين / عبدالله البستاني

(٤) المجددين / أحمد شوقي

(٣) المتطرفين / حافظ إبراهيم

■ ■ اقرأ النصوص التالية (الف - ب - ج - د) بدقة، ثم أجب عن الأسئلة على حسب النص (٧١ - ١٠٠)

الف (٧١ - ٧٧)

يعتبر التصنيع عنصراً ضرورياً لإنهاء التخلف الاقتصادي و حل المشكلة الزراعية على هذا الأساس. و لهذا فإن الافتراض بأن الاستثمارات المباشرة في الزراعة وحدها - مهما كان حجمها كبيراً - يمكن أن تحل المشكلة، هو خطأ كبير! بل إضافة إلى ذلك يجب التطوير السريع للصناعات المحلية الذي يجب أن يأخذ مكاناً في خطط التنمية. و من جهة أخرى إن استيراد الغذاء بشكل مستمر أضاف عقبات جديدة إلى المشاكل القائمة! و الاحتياطي من الغلال في الدول المصدرة قد انخفض، و النتيجة هي أنه حتى في ظل الأسعار العالمية لا يستطيع هذه البلدان الوفاء بمتطلبات الدول المستوردة. و بالإضافة إلى ذلك فإنه لا يمكن أن يتوقع باستمرار أن يغطي إنتاج الغلال في البلدان المصدرة احتياجات الدول النامية. إن قلة الاكتراث من جانب الأقطار الغنية و التلّكؤ في الاستجابة تجاه طلبات الإيجاد ليس فقط عن طريق تقليص الكميات الممنوحة، بل أيضاً بدليل بطء ردود فعلها إزاء طلبات النجدة و إصرارها على المزيد من الشروط المرافقة للمعونة!

٧١- عَيْن الصحيح للفراغ: في خطة التنمية يجب أن نهتم بـ ...

(٢) تحديث الصناعات الوطنية!

(١) تطوير الصناعات الحديثة!

(٤) ارتفاع الصناعات الإقليمية!

(٣) استيراد الصناعات المحلية!

- ٧٢- **عين الصحيح للفراغات:** الأزمة في الغذاء و ... تجاه ذلك يؤدي إلى إحداث، من مظاهرها الاستيراد و ... السلع الأساسية و موازنات
- (١) تصدير، البطء، أزمة، فقدان، مضيق
(٢) الحصول على، عدم القدرة، فجوة، غلاء، ضيق
(٣) توفير، المماثلة، فجوة، ندرة، تضخم
(٤) إنتاج، الصمت، إشكالية، غلاء، تضخم
- ٧٣- **ما هي أمارات عدم استجابة الحكومات الغنية تجاه طلبات الدول النامية؟:**
- (١) التلصق في إجابات الدول النامية و المحاولة للسيطرة على هذه البلاد عن طريق المساعدات!
(٢) تقليل المساعدات و التلصق إزاء الطلبات و ازدياد الشروط في الاتفاقيات!
(٣) البطء في قبول الطلبات و عدم قبول تقليص الكميات الممنوحة لهذه الدول النامية!
(٤) انخفاض احتياطي هذه البلدان و رفع الأسعار العالمية في مجال الغلال!
- ٧٤- **عين الصحيح للفراغ:** لا يمكن أن نتوقع أن إنتاجات الدول الغنية تستجيب لطلبات الدول النامية بسبب
- (١) تقليل احتياطات هذه البلاد!
(٢) تقليص الكميات الممنوحة!
(٣) وجود مزيد من الشروط المرافقة للمعونات!
(٤) رفع الأسعار العالمية و ازدياد الطلبات!
- ٧٥- **عين الصحيح:**
- (١) ليست المجالات الزراعية جزراً مستقلة، بل هي متأثرة بالساحات الأخرى!
(٢) الاهتمام بالصناعات المحلية احتلّ مجالاً واسعاً في خطط التنمية!
(٣) الأمر الوحيد الذي يمثل إبطاء لطلبات الاستغاثة هو تقليل المساعدات!
(٤) احتياطي المواد الأولية في الدول المصدرة يزداد يوماً بعد يوم!
- ٧٦- **عين الصحيح للفراغ:** هناك أزمة جديدة في مجال مشكلة الغذاء و هي
- (١) غلاء الأسعار و عدم إيجاد الدول المصدرة!
(٢) الاعتماد على الإنتاجات من خارج البلاد!
(٣) قلة الاكتراث بتغيير الصناعات المحلية!
(٤) الاستيراد المستمر للجهازات الحديثة!
- ٧٧- **عين الصحيح للفراغ:** الحل للمشكلات الزراعية هو
- (١) منع الاستيراد من الدول المصدرة و الاعتماد على أيدي حراث البلد للوصول إلى الاكتفاء الذاتي!
(٢) ازدياد الاستثمارات الداخلية و الخارجية في مجال الزراعة و رفع الإنتاجات لهذا المجال!
(٣) الاهتمام بالمجالات الصناعية و بذل الجهود لرفعها إلى مستوى التنافس مع الدول الصناعية!
(٤) تطوير الإنتاج بالآليات الحديثة وفقاً لحاجيات البلد و الاستثمارات اللازمة!

ب (۷۸ - ۸۴)

یا رفاقي و یا أحبائي! ستلاقون في طريقكم رجالاً ذوي أظلاف فأعطوهم من أجنحتكم، و آخرين ذوي قرون ففتموا لهم أكاليل غار، و رجالاً ذوي مخالب فأعطوهم أوراق زهر لأناملهم، و آخرين ذوي أسنة حادة فأعطوهم عسلأ لكلامهم! أجل؛ ستلاقون هؤلاء جميعاً و أكثر، ستلاقون عرجاً يبيعون العكاكيز و عمياناً يبيعون المرايا، و ستلاقون الأغنياء على أبواب المعابد يتسولون! يا رفاقي و يا صحابي؛ أوصيكم باسم الحب الذي يجمع قلوبنا أن تكونوا مسالك لا حصر لها يتلاقى بعضها مع البعض الآخر في الصحراء حيث تسير الأسود و الأرناب و تطوف الذئاب و النعاج! و اذكروا هذا عني؛ أنا لا أعلمكم أن تعطوا بل أن تأخذوا، و لا ألقتكم النكران بل الوفاء!

۷۸- عَيْنَ الصحيح للفراغ: الإنسان المثالي عند الكاتب هو الذي

(۱) يسلك مسالك عدة فيتلاقى الجميع!

(۲) يساعد الحيوانات و يعطيها ما ينفعها!

(۳) لا يقسم الناس إلى الظالم و المظلوم!

(۴) يعطي الآخرين و لا يأخذ منهم شيئاً!

۷۹- « ... أن تكونوا مسالك لا حصر لها ... ». الاستنتاج الخاطئ لهذه العبارة هو: في الجانب

(۱) الفردي بمعنى أن نواجه السوء بالحسن!

(۲) الروحي بمعنى ازدياد استيعاب الإنسان!

(۳) الاجتماعي بمعنى أن نتصور الذنب حملاً!

(۴) الإنساني بمعنى الترحم على الآخرين!

۸۰- عَيْنَ الصحيح للفراغ: الإشكالية التي تُطرح في رأي الكاتب هي أن

(۱) ذا المقلب لا يغير طبيعه، فللحيلولة دون طبيعه يجب أن نواجهه بأسوار مانعة!

(۲) الإنسان لا يقدر أن يدخل الحب في دماغه حيث إنه يميل إلى خلافه أشد!

(۳) الأخذ والعطاء أمران غير متلازمين، فلا يمكن أن نتمسك بالواحد دون الآخر!

(۴) استحالة ذي المقلب إلى مخلوق مشفق مترحم أمر منسي يجب إحيائه!

۸۱- عَيْنَ الصحيح للفراغ: رؤية الكاتب إلى العالم و المجتمع هي

(۱) واقعية!

(۲) رومانطيقية!

(۳) سريالية!

(۴) برناسية!

۸۲- عَيْنَ الصحيح للفراغ: إذا شاعت هذه الرؤية فالمستفيد منها

(۱) الفئات الضعيفة!

(۲) المتفائلون!

(۳) الجماعات الغالبة!

(۴) المتشائمون!

۸۳- « ستلاقون عرجاً يبيعون العكاكيز و ... ». الغرض من العبارة هو

(۱) مشاهدة ظواهر لا نتصورها في الحسبان!

(۲) الهروب من الذات الحقيقية!

(۳) الادعاءات اللاواقعية!

(۴) وجود ظاهرة النفاق!

۸۴- عَيْنَ الصحيح على حسب رؤية الكاتب:

(۱) الرحمة والشفقة على الحيوانات هي ضرورية في العالم لا مناص منها!

(۲) حين نعطي أوراق زهر لذوي مقلب أخذنا منه سبعيته!

(۳) الإنسان يجب أن يأخذ حقه و لا يسمح للأقوياء أن يهضموه!

(۴) يجب ألا نهين تسول الغني فربما استجداه عن شقيقته!

ج (٨٥ - ٩١)

ناعت روعي بعبء ثمارها الناضجة

ناعت روعي المثقلة بثمارها

من ذا الذي يأتي الآن فيقتات و يشبع؟

إن روعي لتفيض بخمرتها

من ذا الذي يستقي الآن و يحتسي و يتبرد من رمضاء الصحراء؟

ليتني كنت بئراً ناضبة

و الناس يلقون بي الأحجار

فإن ذلك أجدي و أخف ...

فليتني كنت قصبة يدوسها المارة بأقدامهم

فإن ذلك خير!

٨٥- عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ: باعتقاد الكاتب القصبة المدوسة خير من عود
(١) له أوتار يملكه أصم!

(٢) يستفاد منه لضرب الآخرين!

(٣) ذي أوتار يكره صاحبه النغم و التتغم!

(٤) ذي وتر فضتي يملكه من ليس له أنامل!

٨٦- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: ألم الريان هو أنه
(١) لم ير الباذلين!

(٢) لم يجد عاطشاً!

(٣) لم يجد قصبة يعزف بها ليدعو الآخرين!

(٤) لم ير أحداً يسأل عن كيفية الحصول على الري!

٨٧- عَيْنُ الْخَطَا:

(١) ما أشدّ الألم حين تمّ يدك المملوءة بين المتحسرين من حدثان الدهر لكنّها تعود من دون أن تُفرغ!

(٢) عدم مراجعة المعيل لا تشير إلى الخصب و النماء و الثمر!

(٣) من آلام الرواد خصوبة الشعور و تدفقّ النماء عند الظامنين!

(٤) عدم إقبال الظامئ يدلّ على عدم الشعور بالعطش!

٨٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: ناعت الروح لأنها
(١) لم تكتمل رشدّها و لم تتضح في طريقها نحو الكمال و الرشد!

(٢) لم تقدر أن تخفّف عبأها الروحي مُعينة الآخرين!

(٣) لم تشعر بالراحة تجاه الآخرين بل فاضت الروح بخمرتها!

(٤) تؤذيها ثمارها الجنيّة حيث لم تستفد و تكتمل!

٨٩- على أساس النص:

- (١) الاقتنيات من مهمات المثقلة بالثمار الناضج!
- (٢) الأرباحية في فيضان خمرة الروح و الاعتزاز به!
- (٣) المعوز لا يذهب عند الغني بل الأمر عكس ذلك!
- (٤) من حسن حظ المرء أن يكون ناضباً لا يقدر أن يروي!

٩٠- صف لنا بيئة صاحب النص:

- (١) احتراق قلوب المعوزين من تصاعد ظلام قلوب المحتسين كان شائعاً!
- (٢) الصعود و الرقي و الرفعة كانت منسية!
- (٣) نقالة العلوم و رفعة الشعور و خفة الكسول كانت منقضية!
- (٤) اعتزاز صاحب الرفعة برفعته أمر مؤذ!

٩١- عيّن ما هو أقرب من مفهوم النص:

- (١) شرّ الوري من يعيب الناس!
- (٢) ابن أولى المأ بالعمفو أقدرهم!
- (٣) من أغاث الملهوف يغاث!
- (٤) النبي طبيب دوار بطبه!

د (٩٢ - ١٠٠)

أنشد كثير عزّة:

و لمّا قضينا من منى كلّ حاجة
و شدّت على حذب المهاري رحالنا
أخذنا بأطراف الأحاديث بيننا
نقعنا قلوباً بالأحاديث، و اشتفت
وجدت بها وجد المضلّ قلوّصه
رمتني بسهم ريشه الهدب لم يصب
أغرّك منّا أنّ ذلك عندنا
يروق العيون الناظرات كأنه
هو العسل الصافي مراراً، و تارة

و مسح بالأركان من هو ماسح
و لا يعلم الغادي الذي هو رانح
و سالت بأعناق المطي الأباطح
بذاك صدور منضجات قرانح
بمكة و الركبّان غاد و رانح
ظواهر جلدي، فهو في القلب جارح
و إسجاد عينيك الصيودين رانح
هرقلي وزن، أحمر النّبر، رانح
هو السّم مذروراً عليه النّارح!

٩٢- عيّن الصحيح للفراغ: الآلية للوصول إلى إبعاد القلق النفسي و الحصول على الاطمئنان عند الشاعر هي

- (١) ذهاب و إياب الركبان بمطاياهم
- (٢) ذكر الخواطر عن محبوبته!
- (٣) المحادثة مع رفاقه!
- (٤) الحصول على ناقته!

٩٣- أيّ كلام يشير إلى شدة شوق الشاعر بالرجوع؟:

- (١) و شدّت على حذب المهاري رحالنا!
- (٢) و إسجاد عينيك الصيودين رانح!
- (٣) وجدت بها وجد المضلّ قلوّصه!
- (٤) يروق العيون الناظرات!

۹۴- عین الصحيح:

- (۱) مصائب الشاعر الجوارحية كانت بسبب فتانة عيون الشاعر .
- (۲) كانت الدنانير حتى عهد الشاعر تأتي من بلاد الروم .
- (۳) كانت سرعة القافلة بطيئة لامتنع المحادثة بين الرفاق .
- (۴) جراحة قلب الشاعر كانت بسبب العودة من الحج .

۹۵- « أخذنا بأطراف الأحاديث » . الغرض منه هو أن الشاعر

- (۱) بدأ بالمختارات المتبعثرة منها كذوي الصبابة حين يتكلمون من دون التصريح!
- (۲) بدأ بالطرائف من الكلام فروح نفسه بها!
- (۳) تكلم عن الكلام الغريب الذي لامجال لبروزه في غير هذا الوقت!
- (۴) قام بالحديث النادر المستحسن مع رفاقه!

۹۶- عین الخطأ في المقصود من « و الركبان غاد و رائح » في البيت الخامس:

- (۱) وحشة الشاعر!
- (۲) كل مشغول بعمله!
- (۳) نشاط أصحاب المطية و سرورهم!
- (۴) فقدان من يعينه و يستغيثه!

۹۷- عین الصحيح عن المقصود من البيت الأخير (هو العسل الصافي):

- (۱) طعمه عادة كالعسل حلو، ولكن يتغير بعض الأحيان و يصبح كالسم الذي رش عليه الملح حيث يؤلم صاحبه و ينفره!
- (۲) الإنسان يلتذ مرّات بمعاشرته، لكنّه هو ليس على حال واحدة فسرعان ما تزول حاله و يصير كالسم الذي صبّت زيوت عليه فيهرب الآخرون!
- (۳) هو خالص كالعسل، لكنّه يدخل فيه بعض الأحيان السموم القاتلة التي تغير صفاء لونه و تحوّلّه إلى شخصيّة كلّ من قرب به يودي!
- (۴) في كثير من الأحيان وجهها متلألئ كالعسل، لا كدورة فيه حيث يجذب المخاطب ولكن أحياناً يبعد الآخرين مثل السم الذي نثرت عليه دويّات قاتلة!

۹۸- عین الصحيح للفراغ: أسند الشاعر سيلان الأباطح بأعناق المطيّة لـ

- (۱) طولها و هيئتها!
- (۲) عظمتها و رفعتها!
- (۳) كون تحركها محسوساً ظاهراً!
- (۴) أنّها تقدّمها و تؤخّرها عند حركتها!

۹۹- صف لنا كيفية حبّ الشاعر:

- (۱) من شدّة حبّه إليها أصيب بالصدر المتألم و القلب المقروح!
- (۲) كان يرى أنّ محبوبته هي كالنجم تنير له الطريق و توصله إلى مقصده!
- (۳) كان يتأذى حين يرى أنّ المحبوبة تستغلّ من حبّه إيّاها لتؤذيه!
- (۴) كان فيه بالنسبة إلى محبوبته حبّ و كره أشار إليهما بلفظ العسل و السم!

١٠٠- عَيْنَ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: لم يكن الشاعر عند رجوعه

(١) مهموماً مكتئباً كنوداً!

(٢) مصاباً بالرزايا النفسية!

(٣) مبعداً خواطره المؤذية!

(٤) عجولاً مشتاقاً وامقاً!